یادداشت روز

«مرگ بر آمریکا» فراتر از یک شعار

آمریکا با وجود فلج‌شدن ساختار اداری خود در این روزها که برای اولین بار بیش از یک ماه تعطیلی دولت و صف کشـیدن‌های طولانی شـهروندانش را برای دریافت غذای روزانه تجربه می‌کند، در صحنه منطقه‌ای تلاش دارد خلأ ناکارآمـدی در داخل را با نمایش قدرت در خارج جبران کند. از حمله مستقیم به سه مرکز هسته‌ای ایران در جنگ ۱۲روزه در امتداد سیاست «فشار بدون مذاکره» تا هشدار تازه به عراق به نقل از «ثابت العباسی» وزیر دفاع این کشورکه سه روز پیش در یک مصاحبه تلویزیونی اظهار داشت که «پیت هگست» همتای آمریکایی‌اش او را از تحرکات نظامی قریب‌الوقوع مطلع کرده و نسـبت به مشارکت گروه‌های عراقی در این عملیات‌ها هشدار داده است، تا عملیات روانی و ترساندن کشورهای منطقه از رژیم رذل صهیونیستی، همه نشان از آن دارد که رژیم آمریکا بیش از هر زمان دیگری مستحق شعار «مرگ» است. چرا که این تضادهای نمایان، امروز جوهره سیاست آمریکایی را برهنه‌تر ساخته است. سیاستی که در بحران، به جنگ پناه می‌برد و برای پوشاندن ضعف‌های درونی خود، آتش بیرون را می‌افروزد.

ایران اما در جایگاه نماد اسـتقلال در منطقه، این وضعیت را صرفاً یک تهدید نظامی نمی‌داند؛ بلکه نشـانه‌ای از فروپاشی اقتدار واقعی آمریکا و غرب تلقی می‌کند. نشانه اینکه نظم تک‌قطبی در سراشیبی سقوط است. در چنین لحظه‌ای، فریاد «مرگ بر آمریکا» دیگر یک شعار تاریخی که منشأ آن را در تسخیر لانه جاسوسی سال ۱۳۵۸ باید دانست، نیست، بلکه موضعی اصولی در برابر قدرتی است که از درون پوسیده و برای پوشاندن این پوسیدگی خود از بیرون خشونت تولید می‌کند. با توجه به همین شناخت است که امسال، پس از جنگ ۱۲ روزه و حمله آمریکا به مراکز هسته‌ای کشورمان و یاوه‌گویی‌های این چند ماه مقام آمریکایی، این فریاد نه فقط بار دیگر از حلقوم ملت ایران، دانش‌آموزان و دانشجویان کشورمان تکرار شد، بلکه محکم‌تر، رساتر،آگاهانه‌تر و متحدتر طنین‌انداز گردید. زیرا هرچه ساختارهای قدرت در واشنگتن بیشتر ترک بردارد، صدای مردم ایران بلندتر طنین‌انداز می‌شود.با همین نگاه است که رهبر معظم انقلاب در دیدار روز دوشنبه دانش‌آموزان و دانشجویان و جمعی از خانواده‌های شهدای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه با انتقاد از افرادی که سردادن شعار «مرگ بر آمریکا» را علت خصومت آمریکا با ملت ایران می‌دانند، فرمودند: «این شـعار مسئله‌ای نیست که آمریکا به خاطر آن این‌گونه با ملت ما معارضه کند. مسئله آمریکا با جمهوری اسـلامی، ناسازگاری ذاتی و تقابل منافع است». بنابراین، شعار مرگ بر آمریکا فراتر از یک شعار و ناشی از خصومت ذاتی آمریکا با ملت ایران است.به همین جهت، در چرایی فریاد مرگ برآمریکا در ۱۳ آبان امسال دلایل زیادی وجود دارد:

۱- حوادث ماه‌های اخیر در منطقه و ایران، بازتاب مرحله تازه‌ای از تقابل تاریخی میان منطق استقلال‌خواهی ملت‌ها و منطق سلطه‌طلبی قدرت‌های غربی است. حمله مستقیم آمریکا به سه مرکز هسته‌ای ایران، در آخرین روزهای جنگ ۱۲ روزه با هدف تنفس مصنوعی دادن به رژیم اسرائیل، نشان داد که واشنگتن نه با گروه خاص یا دولت مشخص، بلکه با «منش اسـتقلال‌طلبی» ملت‌ها مشکل دارد. این رویارویی از جنس جنگ‌های مرزی نیست؛ بلکه جنگ بر سر معنا و حق حاکمیت بر علم، انرژی و اراده ملی یک کشور است که ایران اسلامی نمی‌خواهد زیر بار سلطه باشـد. از همین رو، شعار «مرگ بر آمریکا» در چنین شرایطی صرفاً یک واکنش سیاسی نیست، بلکه بیان فلسفهٔ ایستادگی در برابر دشمنی است که به دنبال نفی استقلال یک ملت است.

۲- درک چرایی ضرورت فریاد محکم‌تر این شـعار نیازمند درک فلسـفهٔ وجودی آن است. شـعار «مرگ بر آمریکا» از ابتدای انقلاب اسلامی یک شـعار ضد ملت یا ضد فرهنگ نبوده است، بلکه شعاری برضد نظام سلطه است. «آمریکا» در این عبارت، اسم خاص یک کشور نیسـت بلکه نماد نظامی است که طی قرون اخیر کوشیده جهان را بر محور زور، سرمایه و نابرابری سامان دهد. فریاد این شعار یعنی نفی چنان نظمی و اعلام اینکه انسانِ مستقل، ملتِ آزاد و دانش بدون وابستگی حق طبیعی هر جامعه است. طبیعی است هر بار که اینَ حق مورد تهاجم قرار می‌گیرد، فلسفه این شعار زنده‌تر می‌شود.

۳- فلسفهٔ شعار « مرگ بر آمریکا» نه خشونت‌طلبی، بلکه آگاهی نسبت به ماهیت قدرت سلطه‌گر است. در اندیشهٔ حضرت امام(ره) و پس از ایشان در گفتمان رهبر حکیم انقلاب، «مرگ» در این شعار نماد پایان سلطه است، نه نابودی مردم یا فرهنگ‌ها. معنای آن، مرگ نظام فکری‌ای اسـت که با استکبار و تحقیر ملت‌ها حیات دارد. در واقع، ما هر بار که می‌گوییم «مرگ بر آمریکا»، اعلام می‌کنیم خواهان مرگ این ذهنیت سلطه‌ای هستیم، نه مرگ انسان‌ها. از این منظر، شعار ما اخلاقی‌ترین اعتراض در برابر بی‌اخلاق‌ترین سازوکار جهانی است.

۴- در وجه فلسـفی‌تر، شعار «مرگ بر آمریکا» یعنی نفی فلسفهٔ مدرن غربی که انسـان را ابزار منافع قـدرت می‌بیند. وقتی آمریکا به تأسیسات هسـته‌ای حمله می‌کند، در واقع می‌گوید علم فقط در خدمت کسی مجاز اسـت که در نظم او تعریف شود. اما از نگاه تمدن ایرانی - اسـلامی، علم برای آزادگی و خدمت به انسان است، نه برای سلطه. در نتیجه، تکرار محکم‌تر این شعار پاسخی هویتی است به نظامی که علم و اخلاق را قربانی سیاست می‌کند.

۵- بعد از جنگ ۱۲ روزه، روزنامه‌های «نیویورک‌تایمز» و«فایننشال تایمز» به صراحت نوشتند که «تقویت ایران در حوزه بازدارندگی، روح تازه‌ای به جبهه مقاومت داده اسـت». در چنین فضائی، امسال فریاد «مرگ بر آمریکا»، هم دفاع از خاک ایران بود و هم دفاع از کرامت جریان مقاومت در سراسر منطقه که با حمایت و چراغ سبز مقامات آمریکایی، جنایت صهیونیست‌ها در غزه، لبنان و یمن را در دو سال اخیر رقم زدند.

۶-در تحلیل‌های فلسـفهٔ قدرت، هرگاه یک ملت از موضع ضعف به موضع هویت می‌رسد، دشـمن خارجی در پی آن است که معنای مقاومت را از درون و افکار عمومی آن کشور تخریب کند. پس شعار در این شرایط نه تنها باید تکرار شود، بلکه باید «محکم‌تر» گفته شود تا جلوی وارونگی معنا را بگیرد. امسال فریاد بلند این شعار در واقع اعلام هشـدار به جهان غرب به ویژه سه کشور اروپایی که تصور می‌کنند با مکانیسم ماشه می‌توانند جمهوری اسلامی را وادار به تسلیم و کرنش در برابر غرب کنند، بود. ملت ایران در چنین شـرایطی نشان دادند که در برابر قدرت‌های زورگو فاقد هر گونه ترسـی است و با گذشت ۴۶ سال از تسخیر لانه جاسوسی و قطع رابطه با آمریکا، درک درستی از مفهوم اسـتقلال دارد و این ارزش پسینی انقلاب اسلامی را با هیچ چیزی عوض نمی‌کند.

۷- در نگاه رسـانه‌ای، شـعار «مرگ بر آمریکا» کارکردی مشابه «جان‌واژه مقاومت» دارد؛ یعنی نه تنها انتقال خشم، بلکه تبدیل احساس جمعی به «قدرت بازدارنده نرم» است. دشمن با این تصور باطل که حمله نظامی علاوه بر قدرت فیزیکی، قدرت نرم ایران را فرسوده کرده است، در صدد تحمیل نسـخه تسلیم و وادادگی است، اما ملت ایران امسال بیش از گذشته با فریاد این شـعار قدرت نرم خود را تجدید و به رخ دشمن کشـاند. در حالی که رسانه‌های جهانی از پذیرش این واقعیت گریزانند؛ ۱۳ آبان امسال نشـان داد ایمان و فرهنگ هنوز قوی‌تر از قدرت تکنولوژی اسـت. با توجه به همین بینش اسـت که امروز این شعار تبدیل به ترجمان «نه» بزرگ ملت ایران به منطق زور شده است و محکم‌تر گفتن آن یعنی تثبیت استمرار تاریخی مقاومت در قرنی که غرب می‌خواست آن را پایان ایدئولوژی بنامد.

۸- نکته مهم‌تر آنکه فلسـفهٔ شعار مرگ بر آمریکا با اصل قرآنی «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» پیوند خورده است؛ یعنی نفی هرگونه راه سلطه بر مؤمنان. از این منظر، مرگ خواسته‌ای جسمی نیست، بلکه خواست نابودی راهِ سلطه است. ملت ایران با تکرار آن، در واقع تجدید عهد می‌کند با اینِ اصل دینی که هیچ قدرتی حق سلطه بر اراده مسلمانان را ندارد.

۹- در حالی که انقلاب اسـلامی گام دوم خود را طی می‌کند و در مسیر ایجاد «تمدن نوین اسلامی» گام‌های بلندی را بر می‌دارد، تکرار محکم‌تر شعار «مرگ بر آمریکا» نشانه یک تمدن در حال ظهور است؛ اعلام اینکه ملت ایران هنوز تنها ملتی اسـت که حاضر نشده در برابر قدرت‌های جهانی از ایمان، علم و اسـتقلالش دست بکشد. این شعار نه فقط بازمانده‌ای از تاریخ انقلاب، بلکه سند زنده‌ای است از استمرارِ فلسفهٔ آزادی در جهان معاصر.بنابراین، امروز باید این شعار را نه صرفاً در خیابان، بلکه در رسانه، دانشگاه، مراکز سیاسی و فرهنگ محکم‌تر فریاد کرد؛ زیرا که هر حمله دشمن به استقلال ملت، در واقع تأییدی است بر درستی مسیر ملت ایران.

حسن رشوند

دکتر «عبدواللقیس»کارشناس جهان عرب:

سخنان رهبر ایران قاطعانه و واقع‌بینانه بود

کارشـناس لبنانـی روابط بین‌الملل و متخصص امور ایران در تحلیل سـخنان روز گذشته مقام معظـم رهبری در ارتباط با رابطه ایران با آمریکا، این سخنان را واقع‌بینانـه و همزمان قاطعانه توصیف کرد.

دکتر عبدواللقیس، کارشـناس لبنانی گفت که اسناد و مدارک زیادی وجود دارد که ثابـت می‌کند آمریکا و رژیم صهیونیسـتی همواره تلاش کرده‌اند هرگونه اقدام آزادی‌خواهانه از سوی ایران را به شکست بکشانند.

وی در تحلیـل سـخنان روز گذشته مقام معظم رهبری در دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان به رادیو اسپوتنیک گفت: «موضع رهبر عالی ایران قاطعانه بود، چراکه امکان اینکه از ایالات متحده خیر و منفعتی صادر شود، وجود ندارد».

کارشناس لبنانی روابط بین‌الملل افـزود: «موضع [آیـت‌الله] خامنه‌ای جدید نیست و تمامی این سال‌ها ثابت بوده و تغییری نکرده است، این موضع با تلاش‌های کشـورهای دوسـت در منطقه تناقضی ندارد، اما موضع اصلی در خود ایران تعیین می‌شود. آمریکا در مذاکراتی که خواستار آن است، همواره شـرط‌هایی را برای واداشتن ایران به تسلیم مطرح می‌کند، که این موضوع از اساس مردود است.»

این کارشـناس ارشـد لبنانی، بـا تأکید بـر این‌که ایـران هرگز از ابزارهای دفاعی خود و اصول استقلال، حاکمیـت، اقتصاد، منابـع و نیروی نظامی یا فرهنگی خود عقب‌نشـینی نخواهد کـرد، توضیـح داد: «برنامه هسـته‌ای ایران موضوعی مربوط به جامعه جهانی اسـت، نـه فقط یک مسئله داخلی درباره سلاح هسته‌ای. با این حال، در زمینه غنی‌سازی، هیچ مذاکره‌ای ممکن نیسـت. تنها بحث ممکن، ارائه تضمین‌هایی است مبنی بر این‌که این برنامه به مسـیر نظامی منحرف نخواهد شد».

او با طرح این پرسـش که «چرا ایران نباید مانند آمریکا و اسـرائیل از سلاح بازدارنده هسته‌ای برخوردار باشـد، در حالـی که آن کشـورها از این سـلاح اسـتفاده کرده‌اند؟»؛ افـزود: «تا زمانی کـه فتوای آیت‌الله خامنه‌ای درباره حرمت تولید سـلاح هسـته‌ای پابرجاسـت، سـاخت آن منتفـی اسـت، اما اگر کشـورهای غربی بر فشـار و تهدید اصرار کنند، ممکن اسـت این فتوا مورد بازنگری قرار گیرد».

به گزارش فارس، اللقیس همچنین گفت: «ایـران از نظر فنـی توانایی ساخت سریع موشـک‌های هسته‌ای را دارد»، و در پایان خاطرنشان کرد: «توافـق اخیر ایران با روسـیه برای ساخت هشت نیروگاه هسته‌ای جدید، نشـان می‌دهد که استفاده صلح‌آمیز ایران از انرژی هسته‌ای، حقی قانونی، بین‌المللی و اخلاقی است؛ همان‌گونه که دیگر کشـورها از چنین حقوقی برخوردارند».

اولیانوف: تهدید و زور، روی ایران جواب نمی‌دهد

دیپلمات ارشد روس با تاکید بر اینکه غـرب در امور مربوط به برجام بـه تهدید و اولتیماتوم متکی است، خاطرنشان کرد: اما این روش در مـورد ایران جواب نمی‌دهد.

«میخائیل اولیانوف» نماینده دائم روسـیه نزد سـازمان‌های بین‌المللی در ویـن در اظهاراتـی تصریح کرد: طرف‌هـای غربی برنامـه جامع اقدام مشـترک (برجـام) تمایـل دارند به باج‌گیری و اولتیماتوم متکی باشـند امـا این روش در مـورد ایران جواب نمی‌دهد. حل اختلافات بر سر موضوع هسته‌ای ایران تنها از طریق گفت‌وگو بر مبنای احتـرام متقابل امکان‌پذیر است.

بـه گـزارش ایسـنا، او کـه با خبرگزاری ریانووستی گفت‌وگو کرد، اظهار داشت: ما از نزدیک رویکردهای در حـال تحول طرف‌هـای غربی در مورد توافق هسته‌ای را زیر نظر داریم. به نظر می‌رسـد که تا بـه امروز، آنها درک روشنی از چگونگی ساختاربندی تعامـلات آینده با ایـران در رابطه با مسائل عدم اشـاعه ندارند. همه چیز نشان می‌دهد که آنها هنوز هم تمایل به تهدید و اولتیماتـوم دارند. چنین روش‌هایـی در مـورد ایـران جواب نمی‌دهد.

مقام روس در ادامـه تاکید کرد کـه حل تناقضـات در مـورد برنامه هسته‌ای ایران تنها از طریق گفت‌وگوی محترمانه و مبتنی بر بررسـی کافی تعهـدات و حقوق تهران تحت پیمان منع گسـترش سـلاح‌های هسته‌ای (ان‌پی‌تی) امکان‌پذیر است.

بنابر این گزارش، قطعنامه ۲۲۳۱ شـورای امنیت سـازمان ملل متحد، سندی که توافق هسته‌ای ایران را در سـال ۲۰۱۵ تأیید و سازوکارهایی را برای نظـارت بین‌المللی بر اجرای آن ایجاد کرد، در ماه اکتبر منقضی شد.

ایـران در سـال ۲۰۱۵ پـس از مذاکرات هسته‌ای طولانی و پرچالش با قدرت‌های جهانی شـامل انگلیس، آلمان، چین، روسـیه، ایالات متحده و فرانسـه به یک توافق جامع دست یافت کـه در ازای محدودیت‌هایی بر برنامه هسـته‌ای ایران، لغو تحریم‌ها را ارائـه می‌داد. «دونالـد ترامپ» در دوره ریاست جمهوری قبلی در ایالات متحده در ماه مه ۲۰۱۸ به‌طور یکجانبه از برجام خارج شـد و تحریم‌ها علیه جمهوری اسـلامی ایران را بازگرداند. تهران در پاسخ، کاهش تدریجی اجرای تعهدات خود ذیل این توافق، به ویژه کنار گذاشتن محدودیت‌های مربوط به تحقیقات هسته‌ای و سطح غنی‌سازی اورانیوم را آغاز کرد.

تأکید عراقچی بر گشودن مسیر برای فعالان اقتصادی کشور

وزیر امور خارجـه در دیدار رئیس اتـاق بازرگانی ایران گفت که وظیفه این وزارتخانه، گشودن مسـیر برای فعالان اقتصادی و فراهم‌سازی زمینه تعامل سازنده آنها با طرف‌های خارجی است.

صمد حسـن‌زاده، رئیـس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشـاورزی ایران روز سه‌شنبه ۱۳ آبان‌ماه با حضور در وزارت امور خارجه با سـیدعباس عراقچـی وزیر امور خارجـه دیدار و گفت‌وگو کرد.

وزیر امور خارجه با تأکید بر اهمیت نقش بخش خصوصی در پیشبرد روابط اقتصادی خارجی کشور، اظهار داشت: وظیفه وزارت امور خارجه در چارچوب دیپلماسـی اقتصادی، گشودن مسیر برای فعالان اقتصادی و فراهم‌سـازی زمینه تعامل سازنده آنان با طرف‌های خارجی است.

به گزارش فـارس، در این دیدار همچنیـن دو طرف ضمن بررسـی راهکارهـای تسـهیل و تقویت نقش فعال‌تـر بخش خصوصی در توسـعه روابـط اقتصادی جمهوری اسـلامی ایران، بر ضـرورت افزایش هماهنگی بین وزارت امور خارجـه و اتاق ایران به‌منظور حمایـت از فعالان اقتصادی و تسـهیل تعاملات بین‌المللی بخش خصوصی تأکید کردند.

در این دیدار حمید قنبری معاون دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه نیز حضور داشت.

پیام عراقچی

در پی وقوع زمین‌لرزه در افغانستان

عراقچی همچنین عصر سه‌شنبه ۱۳ آبان‌مـاه و در پی وقوع زمین‌لرزه شدید در منطقه «خُلم» واقع در ولایت بَلخ افغانستان پیامی منتشر کرد.

وی در این باره در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: وقوع مجـدد زمین‌لـرزه ویرانگر در بخش‌هایی از شـمال افغانستان که به جان باختن جمعی از شـهروندان آن کشـور و وارد آمدن خسارات گسترده انجامید، موجب تأثر و تأسـف عمیق گردید. عراقچی افزود: جمهوری اسلامی ایران ضمن ابراز همدردی و تسـلیت صمیمانه به دولت و ملت افغانستان و خانواده‌های داغدار، برای مجروحان این حادثه شفای عاجل مسئلت می‌نماید.

رئیـس دسـتگاه دیپلماسـی خاطرنشان کرد: همچنین، جمهوری اسلامی ایران آمادگی خود را برای اعزام فوری کمک‌های انسـانی و امدادی به مناطق زلزله‌زده اعلام می‌کند.

پیش از این هم اسـماعیل بقایی ضمن ابـراز همدردی با دولت و مردم افغانسـتان از آمادگی ایران برای ارائه هرگونه کمک مورد نیاز خبر داده بود.

خبر ویژه

خودکشی و بازداشت دادستان نظامی نشانگر عمق بحران در اسرائیل

اخبار مربوط به برکناری، گم‌شدن، خودکشی، و بازداشت بالاترین مقام قضائی ارتش اسرائیل را نباید دست‌کم گرفت، یا یک اتفاق موردی تصور کرد.

پس از بازداشـت دادستان نظامی اسرائیل، جست‌وجوی گسترده برای یافتن تلفن همراه او آغاز شـده که گفته می‌شـود حاوی اطلاعات حیاتی و مهم ارتش است.

مقامات امنیتی اسرائیل از غواصان خواسته‌اند تلفن همراه «یفعت تومر یروشلیمی» را در دریای ساحل هرتصلیا جست‌وجو کنند. آنها تأکید کردند دادسـتان نظامی که دو روز پیش مفقود شده بود، به عمد تلفن همراه خود را به دریا انداخته است و همچنین پیدا کردن تلفن همراه او برای شناسایی مظنونان دیگری که هنوز دستگیر نشده‌اند، بسیار مهم است.

اما ماجرای برکناری، گم‌شـدن، خودکشی، و بازداشت دادستان ارتش اسـرائیل، فقط نوک کوه یخ بحران در این رژیم اسـت. گزارش‌های متواتر می‌گویند جامعه اسـرائیل، به اسـتیصال پس از جنون رسیده و آثار روانی جنایات سیستماتیک، در حال آوار شدن بر سر خود اسرائیل است. آنها اکنون تحت فشار احساس شکست، منفوریت و انزوا، به جان یکدیگر افتاده‌اند.

درپی انتشار ویدیوی شـکنجه وحشیانه یک اسیر فلسطینی، دادستان نظامی ارتش اسرائیل و معاون وی، برکنار و بازداشت شده‌اند.

«یفعات تومر یروشـالمی» سـاعاتی قبل از بازداشـت، مفقود شـد و خانواده‌اش پیام نگران‌کننده‌ای دریافت کردند که از خودکشی وی حکایت می‌کرد. او گفته بود با انتشار ویدئو، تلاش داشته به تبلیغات علیه دادگستری نظامی پاسخ دهد.

نظامیان صهیونیسـت در فیلم منتشره، در بازداشتگاه سدی تیمان، به یـک زندانی تجاوز گروهی می‌کنند و زندانی به خاطر صدمات شـدید، به بیمارستان منتقل می‌شود.

نتانیاهو گفت «این بزرگ‌ترین آسـیب بخش روابط‌عمومی به حیثیت اسـرائیل اسـت». اما کانال ۱۳ عبری، در مقابل گفته است: «اتفاقات اخیر در ماجرای تومر یروشلمی، باید برای بسیاری از مقامات، زنگ هشدار باشد. کسـانی که مسئول فاجعه ۷ اکتبر هستند، از نخست‌وزیر گرفته تا وزیران، مسـئولیت نپذیرفته یا اسـتعفا نداده‌اند، در حالی که دادسـتان نظامی، با پذیرش مسـئولیت استعفا داد و تلاش به خودکشی کرد. اگر دروغ‌هایی که از سـوی نتانیاهو و اطرافیانش به دادگاه ارائه شـده بررسی می‌شد، آنها نیز دسـت‌کمی از این ماجرا نداشتند. باید از یروشلیمی حمایت کرد، چون در برابر فشارهای شدید تنها مانده است».

همچنین، ایهود اولمرت نخسـت‌وزیر سابق می‌گوید: «چیزی که قابل درمان نیسـت، بیماری روانی نخسـت‌وزیر، همسر و پسر اوست؛ در شرایط عادی هر روانپزشـکی که وجدان داشته باشد، دستور بستری شدن آنها را در تیمارستان می‌دهد».

سـال گذشته، یک کمیسیون تحقیق سازمان ملل گزارش داد: «هزاران زندانی کودک و بزرگسـال اهل غزه در معرض آزار و شـکنجه گسـترده و نظام‌مند، خشـونت جسـمی و روانی، و خشونت‌های جنسی قرار گرفته‌اند. این، مصداق جرایم جنگی و جنایت علیه بشـریت شامل شکنجه و جنایت جنگی، تجاوز و دیگر اشکال خشونت جنسی است».

بازخوانـی برخی تحلیل‌ها در محافل صهیونیسـتی درباره عمق بحران روانی، به اندازه کافی گویاست:

- روزنامه اسرائیل‌هیوم: ما شرم و اخلاق را از دست داده‌ایم. جامعه اسرائیل به یک گله وحشی تبدیل شده است. ما شاهد افزایش اظهارات تحریک‌آمیز حتی علیه مقامات نظامی هستیم. دادستان نظامی، پیام‌هایی مبنی بر تهدید وی به سوزاندن و دار زدن دریافت کرده بود.

- شبکه عبری کان: در مدت یک‌سال و نیم، ۲۷۹ مورد خودکشی در ارتش اسـرائیل ثبت شده اسـت. به ازای هر خودکشی موفق، ۷ مورد تلاش برای خودکشی نیز ثبت شده است.

- پروفسور ایال فروختر: پس از ۱۲ روز جنگ با ایران، بسیاری از اسرائیلی‌ها نشانه‌هایی از آسیب‌های روحی را نشان می‌دهند. یکی از بزرگ‌ترین چیزهایی کـه تروما ایجاد می‌کند، تغییـر در درک جهان به عنوان غیرقابل کنترل و خطرناک اسـت. ۷۰درصد اسـرائیلی‌ها دچار اختلالات روانی شده‌اند و از حداقل یک علامت از وقایع آسیب‌زا، از اختلال استرس پس از سانحه، رنج می‌برند. ما افزایش زیادی در اسـتفاده از داروهای اضطراب داریم. و البته، مواد مخدر مانند حشیش.

- پژوهش انجمن تخصصی «نتال»: در حوزه آسـیب‌های روانی، ۵۰ درصد نیروهای ذخیره ارتش اسـرائیل که در جریان جنگ علیه غزه دچار علائم «اختلال استرس پس از سانحه» (PTSD) شده‌اند، در بازگشت به زندگی عادی و بازارکار با مشـکل مواجه هستند. بسیاری از این افراد یا به صورت موقت مشغول به‌کار می‌شوند یا به طور کلی بدون شغل مانده‌اند.

- روزنامه جروزالم‌پسـت: رئیس واحد سلامت روان ارتش اسرائیل، از رشد بی‌سابقه مراجعات نیروهای ذخیره به مراکز درمان روانی خبر می‌دهد. تعداد نیروهایی که به دلیل صدمات روانی، خواسـتار درمان شـده‌اند، با افزایش ۱۰۰۰درصدی مواجه است.

- روزنامه یدیعوت آحارونوت: ارتش اسـرائیل، تلفات خود در جنگ غزه را پنهان می‌کند. از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ۱۸۵۰۰ نیروی نظامی و امنیتی به میزان ۷۰ درصد زخمی شده و تحت درمان هستند، اما ارتش فقط مجروحیت ۶۱۴۵ نفر را اعلام کرده است. بیش از ۱۰ هزار نظامی، دچار اختلالات روانی شده‌اند.

- روزنامه هاآرتص: یکی از افسـران ارشد نیروی هوائی که از برجسته‌ترین اپراتورهای پهپاد بود، چند هفته پیش به دلیل فشار روانی ناشی از مشارکت در کشـتار غیر نظامیان در غزه، خودکشی کرد. همکارانش می‌گویند او در هفته‌هـای پایانـی زندگی، بارها با ادامه جنگ مخالفـت کرده و گفته بود: «آنچه در حال وقوع است، اثراتی پاک‌نشدنی برجای می‌گذارد. روح بی‌گناهان و کودکان کشته‌شده در غزه، مرا رها نمی‌کنند».

از منفی کردن رشد اقتصادی تا اشک تمساح برای معیشت مردم

روزنامه زنجیره‌ای شـرق پس از یک سـال دمیـدن در حباب مذاکره و ده سال ارائه اخبار فریبنده برجامی، ناگهان نگران سفره و معیشت مردم شد!

ایـن روزنامه از جمله بزک‌کننـدگان مذاکره و اعتماد به آمریکا بود که تیتـر «امضای کری تضمین اسـت» را در صفحه اول خود گنجاند و ضمناً مدعی بود که تحریم‌ها به واسـطه توافق با آمریکا می‌رود و چاره مشکلات اقتصادی در بستن با آمریکاست. ماجرا آن‌قدر شور شد که مدیر این روزنامه بعدها اذعان کرد برای جا انداختن برجام، ناچار به اغراق و دروغ شده‌اند!

ده سـال بعد از آن دروغ بزرگ درباره برجام و یک‌سال پس از دمیدن دوباره در حباب مذاکره، حالا شرق در یادداشتی با عنوان «صدای قابلمه‌های خالی را بشنویم»، می‌نویسد: «اقتصاد ایران به‌جای ثروت، فقر تولید می‌کند و آن‌گاه دولت مانند رابین هود ظاهر می‌شـود و بین فقرا یارانه و کالابرگ و... توزیع می‌کند. این قاعده امروز و دیروز نیسـت، بلکه حدیث سالیان این سرزمین است. قاعده‌ای که البته به مدد منابع عظیم نفتی و گازی و... و قدری عقلانیت در دوره‌هایی از تاریخ و باور نسبی به علم و آرمان ترقی و توسعه، از شدت آن کاسته شده اما با افول درآمدهای نفتی و کاهش عقلانیت اقتصادی و سیاسی همان قاعده حاکم شده و اقتصاد هرچه بیشتر فقر زائیده و دولت در مقام منجی به توزیع فقر در قالب کوپن و کالابرگ و... پرداخته است.

آخریـن پرده نمایش این وضعیـت ناگوار و پیش‌روندگی فقر و افزایش فقرا، گزارش اخیر مرکز آمار از تورم ۴۸٫۶درصدی مهر امسال نسبت به مهر پارسال و افزایش پنج‌درصدی همین نرخ نسبت به ماه گذشته و دردناک‌تر تـورم اقلام خوراکی اسـت؛ لوبیا ۲۵۵درصد، برنـج ایرانی ۱۵۵درصد، لپه ۱۳۵درصد، سیب‌زمینی ۸۲ درصد و... درحالی‌که درآمد خانوارها و دستمزد حقوق‌بگیران هیچ نسبتی با این افزایش‌ها ندارد.

در این میان اما دولت و مجلس و... دست به کار شده‌اند تا از طریق کیسه شن کالابرگ، جلوی سیل خروشان و درهم‌شکننده امواج سهمگین تورمی را بگیرند. امواج سهمگینی که با رکودی عمیق و ترسناک همراه شده است (رشـد منفی ۰٫۴درصدی بهار امسال و پیش‌بینی رشد منفی ۱٫۷درصدی پایان سال و منفی ۲٫۸درصدی سال آینده- بانک جهانی).

رئیس سـازمان برنامه و بودجه می‌گوید: «برنج را با ارز ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی تأمین می‌کنیم تا به قیمت ۶۰ تا ۷۰هزار تومان باشد، اما قیمت آن وقتی به دسـت مردم می‌رسد ۱۰۰ تا ۲۰۰هزار تومان می‌شود» این حجم از اشـتباه محاسبه و ناکارآمدی و فساد و... که برآمده از اقتصادی دولتی و دستوری و غیر آزاد و غیررقابتی است، قرار است با پروژه کالابرگ سروسامان یابد و مانیفست دولت برای مقابله با فقر شود».

درباره این یادداشـت شـرق، گفتنی است که سقوط رشد اقتصادی در دو دولـت روحانی و پزشـکیان و عواقب آن در قالـب رکود تورمی، نتیجه بی‌عملی و سـوءتدبیر مدیران و فرصت‌سوزی ناشی از نگاه متوهمانه نسبت به آمریکاست وگرنه رشد اقتصادی ۵ درصد در دولت شهید رئیسی در حالی ثبت شد که او درباره سؤال خبرنگار مبنی بر احتمال دیدار با رئیس‌جمهور آمریـکا قاطعانه جواب «نه خیر» داد و اهتمام خود را بر کاهش مشـکلات تولیدکننـدگان و احیـای هشـت‌هزار کارخانه گذاشـت. در همین دولت بـود کـه تورم با وجود نرخ بـالای آن، از رکورد ۴۵ درصـد به ۳۳ درصد کاهش یافت.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

گروه خون!

گفت: چه خبر؟!

گفتم: دیروز «دیک چنی»، معاون جرج بوش، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا و قاتل صدها هزار نفر از مردم مظلوم عراق و افغانسـتان به جهنم رفت.

گفت: مبارک باشه!

گفتم: او بارها آرزوی براندازی جمهوری اسلامی ایران را کرده بود!

گفت: طی چهل و چند سال گذشته، چند رئیس‌جمهور آمریکا و مقامات دیگر کشـورهای اروپایی که چنین آرزویی داشـته‌اند به گور رفته و خوراک مار و مور شـده‌اند. ولی معلوم نیسـت ترامپ معطل چیسـت و چرا هنوز به جهنم نرفته است؟!

گفتم: خبرها حکایت از آن دارند که ترامپ مبتلا به چند بیماری لاعلاج است و همین روزهاست که ریق لعنت را سر بکشد و در جهنم میهمان بقیه هم‌مسلکان خونریز و پلیدش بشود.

گفت: ولی خودش می‌گوید؛ بررسـی‌های پزشـکی از مثبت بودن همه نشانه‌های سلامتی من خبر می‌دهند!

گفتم: مردک دروغ می‌گوید، اگر احیاناً و احتمالاً در جسم و روح و همه زندگی او، یک نشانه مثبت وجود داشته باشد که ندارد، گروه خونش است!

نکته

حجاب و دوقطبی‌های به هم چسبیده!

۱- نگارنده بر سر آن بود که در ایام شهادت زهرای مرضیه سلام‌الله علیها، به مصداق «که مور ران ملخ می‌برد سلیمان را» وجیزه‌ای به رسـم ادای تکلیف در وصف سیدة نساءالعالمین بنویسد اما با توجه به بخشی از بیانات دوشنبه رهبر معظم انقلاب کـه در آن از حجاب به عنوان «مسـئله‌ای دینی و زهرایی و زینبی(س)» یاد فرموده بودند، بر آن شـدیم نوشـته‌ای در این خصوص که از مسـائل مهم این روزهاست داشته باشیم. درنوشته پیش‌روی، سخن از یک «دوقطبی به هم چسبیده»! است، «کشف حجاب» و «سختی معیشت» که نه فقط دو قطب متضاد نیستند بلکه هردو از یک آبشخور آب می‌خورند.

۲- این روزها در بسیاری از موارد وقتی به پدیده عفت‌سوز و خانواده‌برانداز کشف حجاب اعتراض می‌شود و مقابله با این ناهنجاری به قول دقیق و هوشمندانه حضرت آقا «تحمیلی»، مورد مطالبه قرار می‌گیرد، شماری از مخاطبان و متاسفانه برخی از دست‌اندرکاران، به دو قطبی تقلبی حجاب و معیشت اشاره می‌کنند و به عناد یا از سر ساده‌لوحی بهانه می‌آورند که وقتی برخی از اقشار مردم با سختی معیشت روبه‌رو هستند، سخن از مقابله با کشف حجاب جایی ندارد(!) و توضیح نمی‌دهند که؛

اولاً؛ کشف حجاب چه رابطه‌ای با سختی معیشت دارد؟!

ثانیاً؛ مگر تنگی معیشت با کشف حجاب از بین می‌رود؟!

ثالثاً؛ مگر همه کشـف حجاب‌کنندگان از اقشار محروم و مستضعف جامعه هستند؟!

رابعاً؛ درباره کشـف حجاب خانم‌هایی که از اقشار مرفه و ثروتمندان جامعه هستند، چه پاسخی دارند؟! و...

اما، یادداشـت پیش‌روی نکته دیگـری را دنبال می‌کند. بخوانید!

۳- با مروری هرچند گذرا بر آنچه در عرصه اقتصاد کشور در جریان است، به وضوح می‌توان دید که مروجان کشف حجاب -و نه فریب‌خوردگان- و تحمیل‌کنندگان سختی معیشت به مردم، آبشـخور واحدی دارند و هر دو طیف، کمر به دشمنی و کینه‌توزی با مردم و نظام بسـته‌اند. به بیان دیگر، مروجان بی‌حجابی، چه عوامل شناخته‌شـده بیرونـی و چه پادوهای داخلی آنها و تحمیل‌کنندگان سختی معیشت به مردم، دو لبه یک قیچی هستند و نه دو عامل جداگانه! در این‌باره گفتنی‌های مسـتند فراوانی هست که شـنیدنی و تأسف‌خوردنی است. فقط به‌عنوان نمونه؛

الف: متأسفانه می‌توان دید که یکی از عوامل تعیین‌کننده در افزایش قیمت کالا و خدمات، افزایش مشکوک قیمت ارز و مخصوصاً قیمت دلار است و به علت کم‌توجهی مراکز مسئول، قیمت کالا و خدمات مورد نیاز مردم به تابعی از قیمت دلار تبدیل شده است و اما، از سـوی دیگر، قیمت دلار همه روزه توسط ۳ کانال اینترنتی از «هرات» و «سـلیمانیه» و «دوبی» تعیین می‌شـود و به صرافی‌ها و دلال‌ها ابلاغ می‌گردد! و گزارش‌های موثقی حکایت از آن دارند که این سه کانال، مستقیماً از سوی عوامل آمریکا و رژیم صهیونیستی مدیریت می‌شوند!

ب: اسناد معتبر حکایت از آن دارند که طی چند سال اخیر، میزان ارز حاصل از صادرات که مطابق قانون باید به بانک مرکزی بازگردانده شود و تاکنون بازگردانده نشده است، رقمی بیش از ۹۰ میلیارد دلار اسـت! یعنی تقریباً دو برابر بودجه عمومی سالانه کشور(!).

حالا می‌توانید حدس بزنید که افزایش پی‌درپی قیمت دلار و جهش افسارگسـیخته قیمت کالا و خدمات مورد نیاز مردم از کجا آب می‌خورد؟! و چه کسـانی سفره مردم را کوچک‌تر و کوچک‌تر می‌کنند؟! آیا این اقدامات پلشت یکی از اصلی‌ترین عوامـل مؤثر در افزایـش قیمـت دلار و در نتیجه، افزایش افسارگسیخته قیمت‌ها و نهایتاً سختی معیشت مردم نیست؟! از این روی به‌وضوح می‌توان نتیجه گرفت که کشـف حجاب و سختی معیشت مردم دو مقوله متضاد نیستند که هریک از آنها نفی‌کننده و در تقابل با دیگری باشد.

۴- بدیهی است که منظور از برخورد با پدیده خانمان‌برانداز کشـف‌حجاب، برخوردهای سـخت و به‌اصطلاح بگیر و ببند نیسـت، چرا که اکثریت نزدیک به تمام زنان و دختران کشف حجاب‌کننده، پاره‌های تن همین مردم و خواهران و دختران ما هستند که به قول حکیمانه حضرت آقا «خیلی از اینها کسانی هسـتند که اهل دینند، اهل تضرّعند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعایند، [منتها] توجّه ندارند که چه کسـی پشت این سیاسـتِ رفع حجاب و مبارزه با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیّه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند». از این روی نجات آنان از این پدیده عفت‌سـوز و خانواده‌برانداز وظیفه و تکلیف شرعی و قانونی مسئولان نظام اسـت و صدالبته عوامل مزدور دشمن حساب جداگانه‌ای دارند.

۵- مدت‌هاست، این ترجیع‌بند شنیده می‌شود که مقابله با کشـف حجاب نیاز به کار فرهنگی دارد و انتظار آن اسـت که روشـنگری درباره آثار زیانبار و خسـارت‌آفرین پدیده کشف حجاب، تضاد و تقابل آن با زندگی عفیفانه دینی و ملی و افشای پشت صحنه این پدیده از جمله کارهای فرهنگی باشد که باید بی‌وقفه و با دقت و برنامه‌ریزی عالمانه و دلسوزانه صورت پذیرد. و اما متاسفانه، برخلاف تاکیدهای پی‌درپی بر ضرورت کار فرهنگی، نشانه‌ای از کار فرهنگی جدی هم دیده نمی‌شود و بیم آن می‌رود که مبادا خدای نخواسته، برخی از تاکیدها بر کار فرهنگی نیز بهانه‌ای برای بی‌عملی در این زمینه باشد!

حسین شریعتمداری

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵

ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* آنچه در سـال ۵۸ در سـفارت آمریکا در تهران توسـط دانشجویان نخبه تحت عنوان دانشجویان خط امام رخ داد، اقدامی احساسی نبود، بلکه پاسخی حساب‌شده و قهری به سـال‌ها مداخله، توطئه و تحقیر بود. آمریکایی‌ها که با کودتای ننگیـن «آژاکس»، دولت ملی دکتر مصدق را -که به آنان اعتماد داشـت- سرنگون کرده بودند، پنداشـتند می‌توانند پس از انقلاب نیز «لانه جاسوسی» خود را به مرکز فرماندهی برای براندازی جمهوری اسلامی تبدیل کنند. اما این بار، با ملتی بیدار روبه‌رو بودند که دیگر طعم تلخ وابسـتگی و انحطاط را برنمی‌تافت.

زندیه

*چطور شهید عزیزمان آقای رئیسی با وجود به ارث بردن آن فاجعه مدیریتی و تعطیلی هشت هزار کارخانه و منفی شدن رشد اقتصادی و تورم ۴۵ درصد و... هرگز از شـرایط آه و ناله نکرد؛ بلکه با تزریق امید به فعالان اقتصادی و مدیران توانست رشد اقتصادی ۵ درصد را به ثبت برساند، صادرات و درآمدهای نفتی را احیا کند، قطع گسترده برق در تابستان و زمستان را تا حدود زیادی مهار کند، با حمایت از گندمکاران به احیای خودکفایی گندم و توقف واردات ۸ میلیـون تن گندم بپردازد، تورم ۴۵ درصدی را به ۳۳ درصد کاهش دهد، و ۱۱۰۰ پـروژه عمرانی به ارزش بیش از ۵۰۰ هزار میلیارد تومان را فقط در سال سوم به بهره‌برداری برساند؟! و...

نیکخواهی

* سیزدهم آبان در تقویم کشور ما، تنها یک یادبود نیست. بلکه نماد زنده و پویایی است که به هر نسل جدید می‌آموزد در برابر زیاده‌خواهی ابرقدرت‌ها، تنها با هوشـیاری، وحدت و مقاومت می‌توان ایستادگی کرد. این درس، برای همیشه در تاریخ این مرز و بوم جاودانه خواهد ماند.

مرزبان

* قتل‌عام دست‌کم دو هزار غیرنظامی در شهر الفاشر سودان، توسط نیروهای واکنش سـریع چندملیتی، جهـان را تکان داد. در این کشـتار که با هدف رعب‌افکنی و ایجاد بحران در کشـور سـودان صورت گرفته رد پای امارات متحده عربی به عنوان بازیگری کلیدی دیده می‌شود.

جامه بزرگی

* اخبار مربوط به برکناری، گم‌شـدن، خودکشـی، و بازداشت بالاترین مقام قضائی ارتش اسرائیل را نباید دست‌کم گرفت. یا یک اتفاق موردی تصور کرد. گزارش‌ها می‌گویند جامعه اسـرائیل، به استیصال پس از جنون رسیده و آثار روانی جنایات سیستماتیک، در حال آوار شدن بر سر خود اسرائیل است.

خوشنود

* بر فرض که قبول کنیم پذیرفتن مکانیسـم ماشـه در برجام توسط ظریف از روی غفلت بوده باشـد. سؤال این اسـت چرا ایشان امروز در شرایطی که روسـیه برای بی‌تاثیر کردن بازگشت تحریم‌های سازمان ملل به میدان آمده سنگ به سوی این کشور پرتاب می‌کند.

نیک پی

* کشـور کوچک و بیابانی امارات متحده عربی، بدون هیچ معدن طلایی، به دومین صادرکننده بزرگ طلا در جهان تبدیل شده است. می‌پرسید چطور؟ به این صورت که طلای قاچاق از سـودان به امارات منتقل می‌شود. در دبی تبدیل به ارز می‌گردد. با این پول سلاح و مهمات خریداری و به سودان ارسال می‌شـود. این چرخه، جنگ داخلی سـودان را تغذیه و آن را به یک «بحران بشری تمام‌عیار» تبدیل کرده است.

کامرانی

* روزنامه اعتماد وابسته به رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در اقدامی عجیب نوشت؛ وقتی جلسـات رئیس‌جمهور یا معاون اول و وزرا تمام می‌شود، هیچ چیزی تغییر نمی‌کند و نتیجه، گرفتار شدن در چرخه‌ای از جلسات است که نه تصمیم می‌سازد و نه اصلاح می‌آورد!

بهیاری

*شرط مذاکره با آمریکا از زبان رهبر عزیز و مقتدر مظلوم: شیفتگان مذاکره با آمریکای جهان‌خوار بدانند مذاکره تنها در صورتی محقق خواهد شـد که آمریکا پایگاه‌هایش را از منطقه جمع کند، دسـت از حمایت اسرائیل بردارد. اگر این دو امر محقق شد، مسئله را بررسی خواهیم کرد.

طباطبایی

*برخی افراد به ویژه نسل نوجوان و جوان با تقلید کورکورانه از دیگر کشورها، روزی را به عنوان هالووین جشن می‌گیرند و تبدیل به مُد می‌کنند در حالی که از فلسفه آن بی‌خبرند. این جشن باعث وحشت و حتی موجب ایست قلبی برخی از نوجوانان، سالمندان و کودکان می‌شود. با این اوصاف از وزارت آموزش وپرورش می‌خواهیم که با آگاهی‌سازی مانع گسترش این خرافات شوند.

مصدق- تهران

*جوانان عزیز ایران! سـال‌ها از تسـخیر لانه جاسوسی شیطان بزرگ توسط دانشـجویان خط امام می‌گذرد، سـفارتی که اگر دانشـجویان آن را اشغال نمی‌کردند، اتفاقی مشابه کودتای ۲۸ مرداد را برای انقلاب اسلامی ایران رقم می‌زد و امروز ایران هم مانند عربستان در برابر آمریکای خبیث بود.

احمدی

*در راهپیمایـی ۱۳ آبان ماه شـرکت کردیم تا به آمریـکا بفهمانیم که ما همچنان بر موضع خود، یعنی مقابله با آمریکا ایستاده‌ایم، به آمریکا بفهمانیم که جمهوری اسلامی و ملت ایران، جنایات شما را فراموش نخواهد کرد، ترور حاج قاسـم را فراموش نخواهد کرد. به آمریکا بفهمانیم که ما با شـما برادر نیستیم، ۱۳ آبان نه به مذاکره با آمریکاست!

دانش‌آموز فرخی

*جُرم شـهیدان علی‌وردیِ و عجمیان که در فتنه پاییز سه سال قبل، توسط اوباش بازیچه رژیم کودک‌کُش و آمریکای جهانخوار سلاخی شدند، چه بود؟! کسانی که آن دو جوان را وحشیانه شکنجه کردند، از سوی کدام محافل خبیث غربی تربیت شده بودند که جنایت کردند، به کسب و کار مردم خسارت زدند، و در خدمت پروژه بی‌ثبات سازی و حتی تجزیه ایران قرار گرفتند؟!

علیپور

*آمریکا که ادعای کدخدایی جهان را دارد چطور با تشـدید بحران کسـری بودجه، یک ماه اسـت که دولت را با ۳۸ هزار میلیارد دلار بدهی به تعطیلی کشانده است؟! این کدخدا شبیه همان فیل بدون یال، دُم، خرطوم و... است!

سمیعی‌پور

*یک روزنامه صهیونیستی می‌گوید، دادستان‌های ساکنان برج بزرگ حیفا که هدف موشـک ایران قرار گرفت، همچنان آواره هستند و احساس رهاشدگی می‌کنند. این آوارگی چند صباح دیگر با محو رژیم کودک‌کُش تمام می‌شود، زیاد نگران نباشند!

محبوبی

*این روزها شاهد ترک فعل گسترده در مدیران وزارتخانه‌های جهاد و صمت در تأمین ارزاق عمومی و معیشت مردم هستیم. قیمت برنج ایرانی سر به فلک کشیده، و خبری از برنج جایگزین نیست. مرغ و گوشت بعد از بالا رفتن قیمت آنها هنوز به حد اشباع بازار نرسیده و نمایشی است. چرا مجلس نظارتی ندارد؟

قاجار دولّو

* برآوردها نشـان می‌دهد زیان ناشی از ناترازی انرژی در سال ۱۴۰۳ بیش از ۲۰ میلیارد دلار بوده است. عددی که نشان می‌دهد انرژی دیگر صرفاً یک کالای مصرفی نیست، بلکه شریان حیاتی تولید و توسعه ملی است. در چنین شرایطی، حرکت به‌سوی انرژی‌های تجدیدپذیر، به‌ویژه انرژی خورشیدی، صرفا یک انتخاب نیست بلکه ضرورتی راهبردی برای اقتصاد ایران به شمار می‌آید.

میانلو

* با سـاخت کنتورهای هوشمند توسط شـرکت‌های دانش‌بنیان که از نظر تکنولوژی در بالاترین سطح جهانی هستند، کشورمان ایران، در زمره کشورهای برتر جهان در توسعه سامانه‌های هوشمند اندازه‌گیری برق قرار گرفته و صادرات کنتورهای هوشمند به کشورهای همسایه را آغاز کرده است.

پاک طینت

*با کشف بزرگ‌ترین مزرعه استخراج رمز ارز با ۷۰۰۰ ماینر در تهران، وزارت نیرو باید پاسـخ دهد که برای مصرف یک واحد مسکونی هشدار عدم رعایت الگوی مصرف ارسـال می‌کرد چطور این حجم از ماینر (۷۰۰۰) با مصرف ۴ درصد برق کل کشـور و درآمد ۱۹۵ میلیارد تومانی برای املاک آن، متوجه وجود ماینرها نشـده است؟! ظاهراً ناترازی برق فقط صرفاً به دلیل مسامحه، چشـم پوشـی، نادیده انگاری و ملاحظات سیاسـی در کشـف و برخورد با دارندگان ماینرهاست!

سلیمی

* جای تاسف دارد که از ۶۹ هزار روستای کشور، تنها ۳۸ هزار روستا دارای سـکنه هستند. و ۳۱ هزار روسـتا خالی از سکنه شده‌اند. دلیل آن این است که طی دو دهه اخیر با افزایش مهاجرت، خروج جوانان و نیروی کار ماهر از روسـتاها، و به دنبال آن با کاهش قابل توجه موالید و پیری جمعیت روبه‌رو شده‌ایم و همه مسئولان فقط نگاه می‌کنند؟

ملائی